

نقشهٔ راه دولت چیست؟

باید ونباید های اقتصاد درپسااعتراض



مهدی عبدالاهی
مدیر گروه اقتصاد

پس از اجرای طرح یکسان‌سازی نرخ ارز و تغییر سیاست حمایتی دولت از ابتدا به انتهای زنجیره و تخصیص کالا برگ یک میلیونی، بعضاً مباحثی پیرامون آزادسازی قیمت آرد، نان، بنزین و... هم مطرح می‌شود. این موضوعات گرچه رسماً از سوی دولت مطرح نشده؛ اما برخی کارشناسان و فعالان صنفی در گفت‌وگو با رسانه‌ها از این موضوعات به عنوان مکمل ضروری اصلاحات اقتصادی نام می‌برند. در اینجا سؤالی که ممکن است پرسیده شود این است که در شرایط فعلی دولت درخصوص انجام اصلاحات اقتصادی ضروری است به چه «بایدها و نبایدهایی» توجه داشته باشد. به عبارتی آیا شرایط فعلی اجازه انجام هر اقدام اصلاحی را می‌دهد یا خیر؟ موضوع دوم، دور کردن کشور از شرایط تعلیق و نااطمینانی است. در اینجا نیز سؤال این‌گونه مطرح می‌شود، زمانی که بخش خصوصی به‌خاطر شرایط تعلیق و نااطمینانی کمتر به سمت سرمایه‌گذاری می‌رود و منابع دولت نیز در بخش سرمایه‌گذاری (از طریق بودجه عمرانی و...) محدود است، برای فرار از رشد اقتصادی صفر یا منفی چه باید کرد. کارمان ندری، اقتصاددان در گفت‌وگو با «فرهیختگان» می‌گوید گرچه اقدامات و اصلاحات اقتصادی برای اقتصاد ایران ضروری است؛ اما باید توجه داشت اغلب این اقدامات پس از اجرا دارای تبعات و آثار توری هستند. وقتی نتوان تبعات توری این اقدامات را که به از دست رفتن قدرت خرید خانوار منجر می‌شود، جبران کرد، این اقدامات اصلاحی نتیجه لازم را در برنخواهد داشت و حتی با پولی شدن منابع جبرانی (استقراض از نظام بانکی) ممکن است اقدامات جبرانی تبعات غیرقابل پیش‌بینی هم داشته باشد. وی معتقد است درخصوص فضای تعلیق نه صلح و نه جنگ نیز دولت علاوه بر اینکه حتماً باید یک برنامه رفع یا خنثی‌سازی اثر تحریم‌ها را برای میان‌مدت یعنی یک تا یک‌سال و نیم داشته باشد، ضرورت دارد شرکت‌های بزرگ دولتی و شبه‌دولتی را وارد فرایند سرمایه گذاری کند.

سرمایه‌گذاری ۲میلیارد دلاری در نفت

طی چند دهه اخیر یکی از انگاره‌های حاکم بر ادبیات اقتصادی جهان، خصوصی‌سازی بوده است؛ اما در سال‌های اخیر با تغییر و تحولات جهانی، حرکت به سمت جهانی‌زدایی و تهدید زنجیره تأمین جهانی، موضوع مولدسازی، حضور شرکت‌ها و سازمان‌های توسع‌های دولتی در برخی بخش‌های اقتصادی برای تحریک فرایند



کارمان نـدـری، اقتصاددان در گفت‌وگو با «فرهیختگان» و در پاسخ به این سؤال که پس از اجرای طرح یکسان‌سازی نرخ ارز و تغییر سیاست حمایتی دولت، بعضاً مباحثی پیرامون آزادسازی یارانه آرد، نان، بنزین و... هم مطرح می‌شود، آیا این اصلاحات نیز باید در شرایط فعلی انجام شود، می‌گوید: «با قبول اینکه ما باید دنبال اصلاحات اقتصادی باشیم؛ اما باید توجه داشت همه اقداماتی که شمرده شد، دارای آثار توری است و دولت باید نگران تبعات توری این اصلاحات باشد و همچنین اگر بخواهد این تبعات توری را جبران کند، اولین سـؤـالی که مطرح می‌شود این است که در این شرایط آیا منابعی برای جبران این آثار توری و از دست رفتن قدرت خرید خانوار وجود دارد یا خیر. در شرایط فعلی فکر نمی‌کنم دولت توانایی جبران کردن اثرات معیشتی این اقدامات را داشته باشد. درحال حاضر که موضوع کالا برگ در جریان بوده، می‌دانیم اولاً توری که ایجاد شده، با این یک میلیون تومان جبران نمی‌شود. ثانیاً این یک میلیون تومان که دولت در قالب کالا برگ به مردم داده، نمی‌دانیم از چه محلی تأمین شده است. لذا دولت اگر منبع تأمین این یارانه را مشخص نکند، احتمالاً در آینده این یارانه نیز پولی خواهد شد، یعنی دولت مجبور می‌شود از منابع بانک مرکزی و نظام بانکی یا به عبارت بهتر از طریق

مدیرمسئول:

محمدامین ایمانجانی
قائم مقام مدیرمسئول:
مسعود فروغی

سرمدبیر:

محمد زعیم‌زاده

تلفن و فکس:
۰۲۱ ۶۲۹۹۹۴۹۵

کدپستی:
۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶

چاپ:

چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی

نشانی:

خیابان حافظ،پایین‌تر از جمهوری

روی‌روی ساختمان بورس

ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

ا



سرمایه‌گذاری جدی‌تر از گذشته شده است. این موضوع در شرایط فعلی ایران بسیار جدی‌تر از گذشته مورد توجه برخی اقتصاددانان و کارشناسان اقتصادی قرار گرفته است. به اعتقاد آنان، در شرایطی که بخش خصوصی ایران به دلیل تعلیق نااطمینانی و همچنین بی‌ثباتی نسبی در اقتصاد وارد فرایند سرمایه‌گذاری- که یک تصمیم پرریسک است- نمی‌شود، ضروری است شرکت‌های بزرگ دولتی و سازمان‌های توسعه‌ای زیر مجموعه دولت و همچنین شرکت‌های زیر مجموعه نهادهای شبه دولتی وارد این فرایند شوند. به اعتقاد این کارشناسان، حتی در موضوع خصوصی‌سازی در ایران نیز از ابتدا قرار بود پس از واگذاری شرکت‌های زیرمجموعه دولت، سازمان‌های توسعه‌ای منابع حاصل از واگذاری را صرف سرمایه‌گذاری‌های جدید در بخش‌هایی کنند که یا بخش خصوصی توان وارد شدن در آنجا را ندارد یا در ابتدا این بخش‌ها برای بخش خصوصی جذاب نیستند؛ اما با تغییر فرایند خصوصی‌سازی از واگذاری رقابتی به واگذاری در قالب رد دیون، دیگر منابعی در اختیار سازمان‌های توسعه‌ای دولتی قرار نگرفت تا بتوانند این منابع را

همه اقدامات اصلاحی را نباید امروزانجام دهیم

خلق پول تأمین کند. اما در کنار این موضوعات، به نظر من تا آن مسائـل سـاخـتـاری اقتصـاد مـا حـل نـشـده که رأس آن‌ها مسـله تحریم است، نمی‌گویم این نوع سیاست‌ها بد است؛ اما نباید انتظار معجزه داشت. ایـسـن امر می‌تواند یک مقدار وضعیت ما را بهتر کند، به این معنی که از شدت وخامت اوضاع بکاهد. مسـله تحریم بسیار جدی است. تحریم‌ها سـاخـتارهای داخـلی اقتصـاد مـا را بـه هم ریخته است. توجـه داشـته باشـید بـه‌خاطر دور زدن تحریم‌ها ما به یکسری نهادهای غیررسمی همچون شرکت‌های تراسـتی و امثال آن متوسـل شـده‌ایم که بعضاً آن‌ها سـوـا سـتفـاده‌های کلان می‌کنند و ما نمی‌توانیم با آن‌ها مقابله کنیم. در مورد تحریم‌ها من تخصصی ندارم و نمی‌توانم بگویم حل می‌شود یا نمی‌شود؛ اما در بلندمدت نباید تحریم‌ها کش پیدا کند، چون بر همه فرایندهای اقتصاد ما اثر منفی می‌گذارد و بعضاً نتایج اصلاحات را تغییر می‌دهد. بنابراین حرف من این نیست که مسـله تحریم‌ها باید همین الان حل شود، بلکه ما باید یک چشم انداز میان‌مدت (یک‌سال تا یک‌سال و نیم آینده) برای پایان دادن به موضوع تحریم داشته باشیم.»

زور دولت باید به شرکت‌های زیرمجموعه‌اش برسد

ندری در پاسخ به دیگر سـؤـال «فرهیختگان» درخصوص لزوم ورود سازمان‌های توسعه‌ای دولت (ایـدرو، ایمیدرو، npc شرکت نفت و...) به حوزه سرمایه‌گذاری برای تحریک بخش خصوصی و شکستن فضای تعلیق و نااطمینانی فعلی می‌گوید: «یکی از چالش‌های ما،

غیرفعال بودن سازمان‌های توسعه‌ای و شرکت‌های بزرگ دولتی در حوزه سرمایه‌گذاری است. همچنین در شرایطی دولت از طریق بودجه‌های عمرانی محدود خود نمی‌تواند بر فرایند سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی در کشور اثرگذار باشد، باید نهادهای شبه‌دولتی و شرکت‌های خصوصی وارد فرایند سرمایه‌گذاری در کشور شوند. این نهادهای و شرکت‌ها بیشترین میزان صادرات کشور و ارز کشور را در دست دارند اما آن‌ها حضور چندانی در حوزه سرمایه‌گذاری ندارند.» وی می‌گوید: «برای من هم جای سؤال است که چرا زور دولت به شرکت‌های تحت حاکمیت خود و نهادهای شبه‌دولتی نمی‌رسد. این امر هم در موضوع برگردان ارز و هم در موضوع سرمایه‌گذاری مصداق دارد. این شرکت‌ها میزان سرمایه‌گذاری‌ای که انجام می‌دهند نسبت به ابعاد و مقیاس اقتصادی آن‌ها ناچیز است. این عدم حضور شرکت‌های بزرگ دولتی و حاکمیتی در سرمایه‌گذاری به دو دلیل صورت می‌گیرد؛ اولسی موضوع بی‌ثباتی اقتصادی و شرایط نااطمینانی بوده و دومین دلیل، سود بالا و بدون دردسر فعالیت‌های غیرمولد، یعنی خرید و فروش و کسب سود از ارز و طلا و سکه و بازار دارایی‌هاست. وقتی این نهادها می‌بینند سفته‌بازی سود بالایی دارد، به جای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مولد، به سمت فعالیت‌های غیرمولد می‌روند؛ چراکه سود زیاد و بدون دردسری برای آن‌ها دارد. متأسفانه این موضوع از سوی افراد زیادی مطرح شده که برخی شرکت‌های بزرگ در شرایط نااطمینانی و بی‌ثباتی، از طریق سودآوری از نوسان‌گیری، بسیاری از چالش‌های مدیریتی خود را پوشش می‌دهند و سودآوری آن‌ها نه از طریق رقابت،

باید ونباید های اقتصاد درپسااعتراض

با ویژگی مشارکت عمومی - خصوصی، علاوه بر افزایش ظرفیت تولید نفت کشور به میزان ۳۱۵ هزار بشکه در روز، برای بیش از ۱۱ هزار و ۵۰۰ نفر از بومیان مناطق نفت‌خیز اشتغال ایجاد خواهد کرد. یک حساب سرانگشتی نشان می‌دهد این سرمایه‌گذاری دومیلیارد دلاری که منجر به تولید ۳۱۵ هزار بشکه در روز می‌شود، با فرض فروش هر بشکه به قیمت ۶۰ دلار، می‌تواند سالانه نزدیک به هفت‌میلیارد دلار درآمذایی برای کشور داشته باشد.

لزوم فعال سازی ۵۵۰۰معدن غیرفعال

حدود یک دهه قبل برخی مسئولان دولتی سرمایه‌گذاری و توسعه معادن را بدلیل درآمدهای نفتی ذکر می‌کردند. گرچه امروز نمی‌توان از نقش معادن و صنایع معدنی در ارزآوری برای کشور چشم‌پوشی کرد، نگاهی به تعداد قابل‌توجه معادن غیرفعال کشور، سهم ناچیز اکتشافات معدنی از مساحت کشور و رقم ناچیز سرمایه‌گذاری سالانه در معادن ایران، به‌خوبی نشان می‌دهد این ظرفیت‌ها هنوز کاملاً مورد توجه قرار نگرفته است.

در همین زمینه محتشمی‌پور، معاون اسبق وزیر صمت در آبان ۱۴۰۱ گفت: «هفت هزار معدن غیرفعال در کشور وجود دارد.» بررسی آخرین آمارهای رسمی نشان می‌دهد براساس پایش سال ۱۴۰۳ مرکز آمار ایران، تعداد معادن فعال کشور حدود ۶۴۵۱ قـقره است. آمارهای دیگری نشان می‌دهد مجموع کل معادن در ایران ۱۲ هزار محدوده است که با این حساب، در حال حاضر نیز بیش از ۵۵۰۰ قـقره محدوده معدنی غیرفعال است.

در این خصوص اخیراً معاون امور معادن و صنایع معدنی وزارت صمت با اعلام طراحی مدل جدید تأمین مالی برای اکتشاف گسترده معدنی گفت: «در طرح جدید، بخش خصوصی هزینه تولید اطلاعات پایه را تحت نظارت سازمان زمین‌شناسی تأمین می‌کند و در مقابل، «اولویت بهره‌برداری» از معدن برای بازگشت سرمایه به سرمایه‌گذار واگذار می‌شود.» جعفری به ایسنا گفته در حوزه زیرساخت‌ها و در بخش انرژی، طرح‌هایی برای جایگزینی سوخت مدنظر قرار گرفته که به‌زودی رونمایی خواهند شد. به گفته معاون وزیر صمت، در این رابطه به طور مشخص، دو طرح در صنعت سیمان در دست اقدام است که بخشی از سوخت (مازوت و گاز) با زغال‌سنگ جایگزین شود و مذاکرات فنی انجام شده و طرح به مراحل قابل قبولی رسیده و اخیراً در جلسه‌ای که با حضور فعالان این حوزه برگزار شد این موضوع از سوی سیمانی‌ها استقبال شده است.

بلکه به واسطه کسب سود از فعالیت‌های غیرمولد و فرصت‌های توری وراثتی است. این گمانه‌زنی نیز مطرح شده که این شرکت‌ها تنها منابع خود را وارد سرمایه‌گذاری نمی‌کنند، بلکه بعضاً به بهانه‌های مختلف از جمله تحریم و تورم، از سیستم بانکی مرتباً سرمایه در گردش می‌گیرند و آن را نیز وارد حوزه تولید و سرمایه‌گذاری نمی‌کنند. در هر حال قنتم که این‌ها همه گمانه‌زنی است و ما اطلاعات دقیق از میزان فعالیت‌های سفته‌بازانه این شرکت‌ها نداریم؛ اما این موضوع کاملاً پیش روی ماست. وقتی می‌بینیم سرمایه‌گذاری رشد چندانی نداشته و تورم را به‌ویژه در بخش دارایی‌ها نگاه می‌کنید - می‌بینید خیلی بالااست، از این اماره‌ها و نشانه‌ها می‌توانید حدس بزنید احتمالاً شرکت‌های بزرگ هم مشغول سفته‌بازی هستند؛ چراکه مردم عادی منابع و سرمایه کافی برای خرید سسکه و طلا و ارز و... ندارند و اگر هم سراغ این دارایی‌ها بزنند، مگر چقدر می‌توانند بخرند.» ندری در پایان معتقد است دولت به دو شکل می‌تواند این شرکت‌ها را وارد فرایند سرمایه‌گذاری کند؛ اولی به‌خط کردن آن‌ها از طریق رقابت است، یعنی شما اقتصاد را باید رقابتی کنید که همین شرکت‌ها در اغلب موارد مخالف رقابتی شدن فضای اقتصادی هستند؛ چراکه آن‌ها استدلال خواهند کرد اگر فضای اقتصاد رقابتی شود، ما ورشکسته می‌شویم. مورد دوم اینکه دولت باید از طریق زور این‌ها را سر خط بیاورد که به نظر می‌رسد فعلاً دولت زورش به آن‌ها نرسیده است. البته روش صحیح همان رقابت است؛ چراکه شرکت‌ها از طریق حساب‌سازی و اقدامات دیگر، می‌توانند وضعیت خود را بد نشان دهند و وارد فرایند سرمایه‌گذاری نشوند.

شفاف، می‌تواند این مکانیسم نابرابری را برطرف کند و کارایی اقتصادی را افزایش دهد. این اقدام، اگر با سیستمی از یارانه نقدی و حمایت از تولید داخلی (تأمین سرمایه در گردش) همراه شود، نه تنها کارایی اقتصاد را افزایش می‌دهد، بلکه احساس عدالت و امنیت اقتصادی را در جامعه ایجاد می‌کند. از دیدگاه اقتصادی، تکنرخی کردن ارز با کاهش رانت ارزی و تعریف نامتعادل در توزیع کالاها، می‌تواند به سیستم اقتصادی بینجامد؛ اما اگر بدون حمایت مکمل اجرا شود، می‌تواند بار افزایش قیمت کالا‌های اساسی را بر دوش دهک‌های پایین بیندازد.

چالش‌ها و محدودیت‌های احتمالی

سیاست تکنرخی کردن ارز، نه تنها اصلاح ساختاری در سیستم ارز، بلکه نمادی از تغییر در مدل حمایت اقتصادی است. در این مدل جدید، حمایت از دهک‌های پایین باید از طریق یارانه نقدی و سیاست‌های توزیع مستقیم درآمد انجام شود، نه از طریق توزیع نامتعادل منابع در سیستم ارز. این مدل، بسا تأکید بر اصول عدالت اجتماعی، به دنبال ایجاد تعادل در توزیع منابع و کاهش نابرابری در آمدی است. از دیدگاه اقتصادی، چنین سیاستی می‌تواند با ایجاد تحریکات مثبت در تقاضای داخلی، کارایی اقتصاد را افزایش دهد. این اقدام، اگر با حمایت از تولید داخلی و ایجاد فرصت‌های شغلی همراه شود، می‌تواند نه تنها امنیت معیشتی را تضمین کند، بلکه احساس عدالت در جامعه را ایجاد کند. سیاست تکنرخی کردن ارز، اگرچه نمادی از تغییر ساختاری در سیستم اقتصادی است؛ اما با چالش‌های اقتصادی و اجتماعی

جدی مواجهه است. از دیدگاه اقتصادی، اجرای سریع این سیاست بدون حمایت مکمل می‌تواند به افزایش تورم و بار قیمتی بر دوش دهک‌های پایین منجر شود، به‌ویژه در صورت عدم ایجاد سیستم یارانه نقدی مؤثر. این عامل می‌تواند باعث شود نابرابری در آمدی تشدید شود، زیرا توزیع نامتعادل منابع در سیستم ارز، به جای کاهش آن، ادامه می‌یابد. از دیدگاه اجتماعی، این اقدام می‌تواند احساس ناعدالت و ناراضیاتی در جامعه ایجاد کند، به‌ویژه اگر تولید داخلی در معرض فشار قرار گیرد. در این چهارچوب، نگاه رهبر معظم انقلاب که بر اساس اصول عدالت اجتماعی و امنیت معیشتی استوار است، بیان می‌کند که معیار سنجش موفقیت سیاست‌های اقتصادی، نه تنها در کاهش تورم و ایجاد تعادل بازار ارز، بلکه در تضمین امنیت معیشتی و احساس عدالت در جامعه نهفته است. از دیدگاه اقتصادی، تکنرخی کردن ارز می‌تواند با کاهش رانت ارزی و تعریف نامتعادل در توزیع کالاها، کارایی اقتصادی را افزایش دهد؛ اما اگر بدون حمایت مکمل اجرا شود، می‌تواند بار افزایش قیمت کالا‌های اساسی را بر دوش دهک‌های پایین بیندازد. در مجموع، تکنرخی کردن ارز، اصلاحی ساختاری در سیستم ارز است که با کاهش رانت ارزی و تعریف نامتعادل در توزیع کالاها، کارایی اقتصاد را افزایش می‌دهد؛ اما موفقیت آن به حمایت مکمل از تولید داخلی و ایجاد سیستم یارانه نقدی وابسته است. از دیدگاه اقتصادی، این سیاست می‌تواند با ایجاد تحریکات مثبت در تقاضای داخلی، رشد اقتصادی را تقویت کند. از دیدگاه انسانی، این اقدام باید با اصول عدالت اجتماعی و امنیت معیشتی همراه باشد تا نه تنها از دیدگاه فنی، بلکه از دیدگاه انسانی نیز موفق باشد.